

## نگاهی انتقادی به کتاب

# اسناد روابط ایران و انگلیس (در دوره محمدشاه)

نهایت مطابق خواست انگلستان فیصله یافت. در یک مساله دیگر نیز دولت انگلستان کم و بیش دخالت داشت و آن حضور نماینده آن دولت در کنفرانس بین‌المللی چهارجانبه مذاکرات ارزنة الروم بود که قریب به چهار سال طول کشید و در نهایت با انعقاد عهدنامه دوم ارزنة الروم تکلیف مرزهای ایران و عثمانی مشخص شد، درخصوص قضیه هرات و مساله اخیر پیش از این دو کتاب مستقل از سوی اداره انتشار اسناد وزارت امور خارجه انتشار یافته بود که عبارت‌اند از:

۱- گزیده اسناد سیاسی ایران و افغانستان، جلد اول: مسئله هرات در عهد محمدشاه قاجار، به کوشش محمدنادر نصیری مقدم، تهران، ۱۳۷۴، ۳۲۴ ص.

۲- اسنادی از روند انعقاد عهدنامه دوم ارزنة الروم (۱۲۶۴-۱۲۵۸ ق)، به کوشش نصرالله صالحی، تهران، ۱۳۷۷، ۴۳۵ ص.

و اما کتاب حاضر که با عنوان کلی **اسنادی از روابط ایران و انگلیس در عهد محمدشاه قاجار** انتشار یافته، حاوی ۱۰۶ سند از اسناد وزارت امورخارجه است که در پنج فصل تنظیم شده است: فصل اول: اسناد روابط سیاسی ایران و انگلیس (۴۵ سند)؛ فصل دوم: اسناد روابط نظامی (۲۰ سند)؛ فصل سوم: اسناد روابط اقتصادی (۲۶ سند)؛ فصل چهارم: اسناد برده‌داری و برده‌فروشی (۱۲ سند)؛ فصل پنجم: اسناد ضمیمه (۳ سند).

در هر فصل از کتاب اسناد مهمی درج شده است. این اسناد اگرچه به احتمال قوی

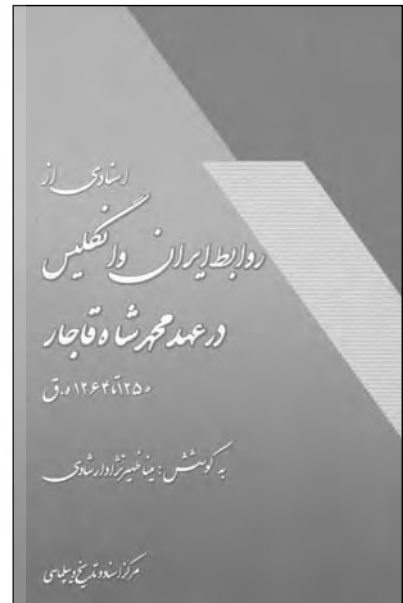
اسنادی از روابط ایران و انگلیس در عهد شاه قاجار (۱۲۵۰ تا ۱۲۶۴ ه. ق)

تالیف: مینا ظهیرنژاد ارشادی  
ناشر: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، چاپ اول، ابان ۱۳۸۱، تهران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

رقم زد. در زمینه روابط خارجی دوره فتحعلی‌شاه، دوره پذیرش شکست از روسیه و دوره محمدشاه، دوره پذیرش شکست از انگلستان بود.

روابط ایران و انگلستان در دوره محمدشاه عمدتاً حول دو محور اصلی دور می‌زد. یکی قضیه لشکرکشی محمدشاه به هرات در سال ۱۲۵۳ ق. و مداخله نظامی انگلستان در جزیره خارک و بنادر جنوبی ایران که منجر به عقب‌نشینی اردوی محمدشاه از هرات شد و دیگر مخالفت و اعتراض انگلستان به دولت ایران در زمینه تجارت برده در خلیج فارس و بنادر جنوبی ایران که این نیز علی‌رغم مخالفت‌های اولیه محمدشاه در



روابط خارجی ایران در دوره محمدشاه قاجار (۱۲۶۴-۱۲۵۰ ق) در واقع ادامه همان روابطی بود که از دوره فتحعلی شاه شروع گشته و در دو عرصه مهم نظامی و سیاسی منجر به تحمیل زیان‌های غیرقابل جبران به ایران شده بود. بنابراین اگر بتوان تمایزی میان این دو دوره یافت، همانا عبارت خواهد بود از تکاپوی نظامی محمدشاه در قلمرو شرق ایران برای اعاده قدرت مرکزی بر آن نواحی که البته این نیز با واکنش نظامی انگلیس مواجه و نتیجه‌ای معکوس به ارمغان آورد. بنابراین شکست ایران در عرصه نظامی در هر دو دوره فتحعلی‌شاه و محمدشاه، در عرصه سیاسی، عواقب بس زیان‌باری را برای ایران

تمام اسناد مربوط به روابط ایران و انگلیس در دوره محمد شاه نیست ولی با این حال برای آگاهی افزون‌تر از کم و کیف روابط دو کشور می‌تواند مفید فایده باشد. به ویژه فصل چهارم کتاب که به مساله برده‌داری و برده‌فروشی مربوط می‌شود. زیرا در این خصوص هنوز تحقیق مستقلی صورت نگرفته و عمده آگاهی ما حاصل بحث مفیدی است که آدمیت در کتاب **امیرکبیر و ایران** (ص ۵۳۹-۵۱۶) با استناد به اسناد وزارت امور خارجه انگلیس کرده است.

بنابراین ضمن تأکید مجدد بر اهمیت اسناد مندرج در کتاب حاضر، اشاره می‌شود که چند ایراد و نقیصه عمده در نحوه انتشار آن دیده می‌شود که از این قرار است:

۱ - عدم درج تصاویر اسناد. تقریباً در همه مجموعه اسناد منتشر شده از سوی اداره انتشار اسناد وزارت امور خارجه، تصاویر اسناد در مقابل متن بازنویسی شده آنها آورده می‌شد و همین امر به خواننده این امکان را می‌داد که خود در موارد لزوم به انطباق و مقابله متن بازنویسی شده با تصویر اصل بپردازد. این امر از طرفی بر اصالت و سندیت کتاب نیز می‌افزود. متأسفانه در کتاب حاضر حتی در یک مورد هم تصویر اسناد نیامده است.

۲ - حتی با یک مرور اجمالی نیز می‌توان دریافت که کتاب حاوی غلط‌های چاپی فراوان است. از طرفی برخی کلمات و اسامی نیز به درستی قرائت نشده و به غلط ضبط شده است. همچنین اسامی اشخاص و مکان‌ها نیز با همان تلفظ دوره قاجار و بدون معادل امروزی آنها درج شده است. اشاره به تک تک این موارد موجب اطالة کلام خواهد بود معهداً به چند مورد اکتفاء می‌شود: روه (ص ۴۶)، کنجور (ص ۴۶)، جزیره ملاطئه (ص ۴۹)، جزیره مالطه (ص ۵۰)، الس (ص ۵۰ و ۴۷)، الیس (ص ۴۸)، پوست اروانه (ص ۸۰)، فراغ چاقی (ص ۸۰)، انگلیز (در اکثر صفحات)، انگلند (ص ۹۵)، ابوشهر (ص ۸۴)، پانصابی (ص ۸۰)، تسادرت (ص ۹۰) و...

۳ - نقیصه سوم کتاب، فقدان فهرست اعلام است. برای چنین کتابی که محتوی آن پر از اسامی اشخاص و جاهاست و به عنوان یک کتاب منبع محل رجوع اهل تحقیق خواهد بود، عدم درج فهرست راهنما در حکم بلااستفاده گذاشتن آن خواهد بود.

۴ - ایراد دیگر کتاب این است که کوشنده محترم در مقدمه هیچ اشاره‌ای به روش خود در تدوین مجموعه اسناد حاضر نکرده است. برای هر خواننده‌ای این پرسش مطرح است

که آیا اسناد کتاب حاضر تمام اسناد مربوط به روابط ایران و انگلیس در آرشیو وزارت امور خارجه ایران است یا بخشی از آن را شامل می‌شود. اگر چنین بوده می‌بایست به گزینشی بودن اسناد اشاره می‌شد. البته در آن صورت نیز گردآورنده اسناد می‌بایست به ملاک‌ها و معیارهای گزینشی اسناد در مقدمه اشاره می‌کرد.

۵ - اگر از ایرادات مورد اشاره به هر نحو ممکن بتوان چشم پوشید از برخی اشتباهات تاریخی که در مقدمه آمده نمی‌توان گذشت. کوشنده کتاب ۲۳ صفحه مقدمه بر کتاب افزوده‌اند که بخش عمده آن چندان ضروری به نظر نمی‌رسد. در قسمتی از آن که به روابط ایران و انگلیس در دوره محمدشاه مربوط می‌شود نیز مطالب نادرستی که ناقض حق و حقوق تاریخی ایران در مرزهای شرقی است، برمی‌خوریم. محض نمونه در جایی نوشته‌اند: محمدشاه تصمیم گرفت قسمتی از افغانستان را ضمیمه خاک ایران کند. البته تشویق‌های پنهانی نیکلای اول تزار روسیه نیز در این مورد بی‌تأثیر نبود». (ص ۲۲) عجیب است که در ادامه همین مطلب، برای صحت این نظر، به نوشته یک نویسنده انگلیسی یعنی جان ویلیام می‌استناد شده است. در حالی که اسناد تاریخی مندرج در همین کتاب ناقض نظر مزبور است. باید گفت لشکرکشی محمدشاه به هرات نه به قصد ضمیمه کردن قسمتی از خاک افغانستان به ایران، بلکه برای اعاده قدرت دولت مرکزی بر بخشی از قلمرو کشور صورت گرفت. چنان که از منابع تاریخی برمی‌آید برخی از امرای این بخش از قلمرو کشور به جهت درگیر بودن دولت مرکزی در جنگ‌های ایران و روس و ضعف دولت مرکزی از فرصت استفاده کرده و از انقیاد به دولت مرکزی سربرتافته بودند. بنابراین لشکرکشی محمدشاه در تکمیل لشکرکشی عباس میرزا به هرات - که با مرگ نابهنگام او متوقف مانده بود - صورت گرفت. ولی به دلیل مداخله نظامی دولت استعماری انگلستان، قضیه هرات موقتاً مسکوت ماند.

در معرفی اجمالی کتاب حاضر، غرض از بیان اشکالات، انکار اهمیت و ضرورت انتشار اسناد نیست، بلکه غرض تأکید بر ضرورت اعمال نهایت وسواس در انتشار اسناد است. به ویژه اسنادی از این دست که ربط مستقیم با حد و حدود ایران و نقش منفی قدرت‌های استعماری در تحدید قلمرو تاریخی ایران دارد.

## نصرالله صالحی



در آرشیو دولتی تاریخ گرجستان و انستیتوی نسخ خطی آکادمی علوم گرجستان (که که لیدزه Kekelidze) هزاران سند تاریخی پیرامون تاریخ ایران به زبانهای گرجی، فارسی، روسی، فرانسوی و غیره به صورت اصل یا سواد موجود است. این اسناد که متعلق به قرون ۱۶ تا اوایل ۲۰ میلادی می‌باشد دربرگیرنده آگاهی‌ها در زمینه‌های گوناگون زندگی اجتماعی بوده و از لحاظ تنوع، شامل: فرامین و احکام شاهان ایران، احکام عباس میرزا ولیعهد فتحعلی شاه قاجار، احکام خوانین ماورای قفقاز، احکام شاهان کارتلی و کاختی، دو استان تاریخی شرق گرجستان- اسناد مربوط به نایب السلطنه و ستاد ارتش روسیه در قفقاز، اسناد تملک و تملیک، عریضه‌ها با تصمیمات مربوطه، مکاتبات، قراردادهای تجاری، تعهدنامه‌ها، گزارش‌ها و تحقیقات مختلف می‌باشد.

در کتاب حاضر که جلد اول از مجموعه اسناد فوق می‌باشد، تعداد ۵۷۲ سند (متن کامل یا فهرست یا موضوع) تهیه و چاپ شده است، اما در کتاب هیچ توضیحی در مورد جلدهای بعدی داده نشده و روشن نیست که اصولاً آیا این مجموعه مجلدات دیگری هم دارد و اگر دارد در آنها کدام اسناد و چگونه وجه زمانی ارائه خواهد شد. صرفاً عبارت «جلد اول» در صفحه و عنوان کتاب مشاهده می‌شود و خواننده راجع به آن آگاهی لازم را به دست نمی‌آورد.

علی‌ایحال بر طبق توضیحات کوشنده در مقدمه نکات زیر در مورد اسناد این مجموعه قابل ذکر است در این مجموعه در میان اسناد صادره از جانب شاهان ایران، قدیمی‌ترین سندی که موجود است فرمان شاه تهماسب اول صفوی به تاریخ ۲۵ جمادی‌الثانی سال ۹۴۸ ه.ق. می‌باشد و جدیدترین آنها فرمانی است از محمدعلی شاه قاجار به تاریخ رمضان ۱۳۳۵ ه.ق. که در رواق آخرین سند از مجموعه فوق‌الذکر می‌باشد.

صدور فرامین و احکام مذکور به آغاز نفوذ سیاسی-نظامی حکومت صفوی در مناطق قفقاز از جمله گرجستان باز می‌گردد که به جمع ولایات تابع